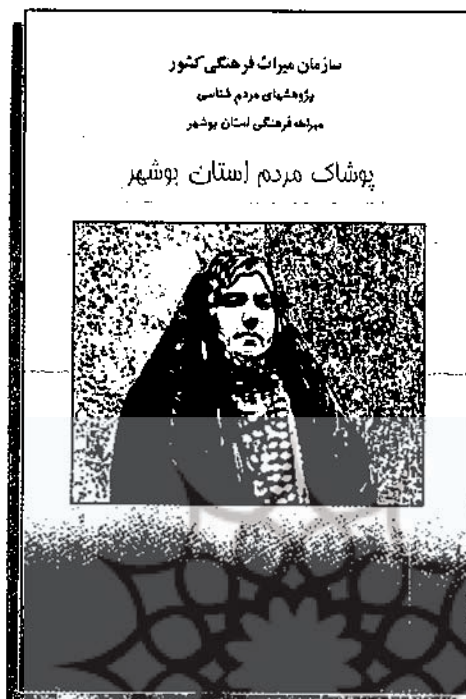


پوشاک جنوب

■ پوشاک مردم استان بوشهر
■ سازمان میراث فرهنگی کشور



در این منطقه نژادهای بومی می‌زیسته‌اند و علاوه بر نژاد مدیترانه‌ای نژادهای دیگری مانند دراویدی، سیاه پوست، سامی، عیلامی، سومری، نورودیک، عرب، لر و بهبهانی در سرزمین بوشهر سکونت داشته، و یا به مرور به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. در استان بوشهر، عرب‌ها، لرها و طوایف مخلوط مانند بهبهانی‌ها ساکن هستند که در اثر اختلاط یک نوع نژاد خاص را به وجود آورده‌اند و به بوشهری معروف شده‌اند.^۱

تقریباً تمام مردم این استان به زبان فارسی و با گویش محلی خود تکلم می‌کنند. لُجه‌ها در روستاها بیشتر از شهرها متنوع و مشهورند و بین آنها اختلاف‌هایی نیز به چشم می‌خورد. برخی از اهالی جزیره خارک، شیف و بنادر کنگان و عسلویه نیز به زبان عربی صحبت می‌کنند.

پوشاک بر اساس وضع و اقلیم جغرافیایی، ذوق و سلیقه، مذهب و اعتقادات و طرز زندگانی و آداب و رسوم به وجود می‌آید. پوشاک مردم استان بوشهر نیز بر اساس عوامل ذکر شده شکل گرفته است. بنا به وضع جغرافیایی استان بوشهر که به دو ناحیه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود دو حوزه فرهنگی بر مبنای پوشاک سنتی مردم آن می‌توان در این استان از هم تشخیص داد.

محدوده شمالی و شمال شرقی استان که در واقع تا حدودی قسمت کوهستانی استان را تشکیل می‌دهد، از نظر پوشاک سنتی با مناطق ساحلی و جلگه‌ای استان بوشهر کمابیش تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت علاوه بر اینکه در مدل و شکل لباس است در برگزیدن رنگ و جنس پارچه‌ها و حتی در تعداد لباس‌هایی که پوشیده می‌شود نیز مشاهده می‌گردد. در سرزمین سبز و خرم نواحی کوهستانی بوشهر جامه‌های سرخ، زرد و رنگارنگ یک گونه هماهنگی میان رنگ جامه با

پیرامون خود پدید می‌آورد. و مردم مناطق گرم و سوزان ساحلی از جامه‌ها و پارچه‌های سفید و بی‌رنگ سود می‌جویند.

با توجه به وجود تبادلات فرهنگی بین جوامع همجوار، می‌توان گفت به دلیل مجاورت مناطق شمالی و شمال شرقی استان بوشهر با منطقه سکونت ترک‌های قشقایی استان فارس، شباهت زیادی بین پوشاک مردم این دو منطقه مشاهده می‌شود. به همین دلیل پوشاک مردم مناطق ساحلی استان بوشهر نیز از پوشاک مردم استان هرمزگان و کشورهای عربی همجوار تأثیر پذیرفته است.

پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور در توضیح جزئیات پوشاک مردم استان بوشهر شباهت‌ها و تفاوت‌های مشاهده شده بین دو حوزه مذکور در ادامه مطلب ذکر خواهد شد.

سرپوش زنان: تقسیم‌بندی کلیه سرپوش‌های زنان استان بوشهر را می‌توان به شرح زیر انجام داد:

۱- روسری:

الف - مقنا (maqna): مقنا تور - مقنا گردی - مقنا پولکی...

ب - چارقد

ج - روسری (دستمال)

۲- کلاه:

- مدل اول کلاه - لچک (lacak)

- مدل دوم کلاه - کولوتِه یا کُلخ‌چه (Kolax-ce)

- مدل سوم کلاه - کلاه پارچه‌ای یا کُلَه‌چه

(Kolace)

- مدل چهارم کلاه - عرقچین

۳- چادر و عبا:

الف - چوکِه (cuke)

ب - چادر

ج - عبا

۴- روبند و نقاب:

الف - روبند

ب - بتوله (batule)

ج - اخمار (exmar)

د - روبند عروس

۵- گل بند یا پیشانی‌بند

۶- بوشی‌یه (bušiyhe)

مَقنا [maqna]: «مقنا» پارچه‌ای مستطیلی شکل، حدوداً به ابعاد ۲/۵×۲ متر مانند شال بزرگی است که زنان و دختران به عنوان سرپوش اصلی استفاده می‌کرده‌اند. «مقنا» اغلب از جنس پارچه‌های لطیف و نازکی چون وال، تور و مَل‌مَل... انتخاب می‌شود. انواع مقنا را بیشتر بر اساس جنس پارچه و تزیینات آن تقسیم‌بندی می‌کنند به طور مثال: مقنا تور، مقنا گردی، مقنا پولکی... مقنا امروزه اغلب توسط زنان سالخورده استفاده می‌شود.

چارقد (carqad): چارقد سرپوش دیگری است که می‌توان در ردیف روسری‌ها قرار داد. چارقد فقط در منطقه پشت کوه (ناحیه کوهستانی) استان بوشهر مشاهده شده است. چارقد پارچه سه گوش توری است که روی آن با پولک و نخ‌های زری و نقره‌ای تزیین

نگاره‌های بافته

گلیم، فرش بدون پرز، با نخ پشمی یا پنبه‌ای یا کنفی، که به عنوان زیرانداز، دیوار پوش چادر عشایر، پرده چادر، رختخواب پیچ، سجاده، خورجین، جوال، جل‌اسب، پشتی و سفره همواره به کار آمده است. و بافت آن در میان اکثر روستاها و ایلات و عشایر متداول است، چرا که این دستبافته علاوه بر جنبه‌های هنری - تزیینی جنبه کاربردی نیز دارد.

گلیم از قدیمی‌ترین زیر اندازهاست که قرن‌ها قبل از پارچه بافی، و بعد از نمد و حصیر و هم زمان با پارچه بافی در خاور زمین رایج شد که آثار به دست آمده حاکی از بافت گلیم در میان اقوام آسیای مرکزی است که به امر پرورش گوسفند اشتغال داشته‌اند. بنابراین به لحاظ ساده‌تر بودن بافت و نقوش گلیم نسبت به قالی، می‌توان تاریخ آن را بسیار پیشتر از سه هزار و پانصد سال پیش (تاریخ بافت قالی) دانست.

بافت گلیم معمولاً به دو صورت است و هر دو روی آن پودرو می‌باشد، یعنی پودهای رنگی را از زیر و روی چله عبور می‌دهند و در پایان کار چله دیده نمی‌شود و آنچه هویداست نخ‌های رنگی است که نقوش گلیم را به وجود می‌آورند. برخلاف قالی که پودها در نقشه قالی سهمی ندارند و پرزها عامل آن هستند در گلیم پودها این وظیفه را بر عهده دارند.

باید گفت گلیم به سه نوع کلی ساده باف، برجسته و ورنی بافته می‌شوند که در نوع ساده باف پودها، یکی در میان از لابه لای تار (چله) عبور می‌کنند. گلیم دورو بوده و از نقشه قبلی برای بافت آن استفاده نمی‌شود. دارای نقوش عموماً هندسی است و خطوط منحنی به ندرت در این نوع گلیم دیده می‌شوند. گلیم برجسته از زمینه ساده‌ای برخوردار بوده، اما طرح اصلی آن مانند قالی است. یعنی با استفاده از نقشه قالی، بر روی چله گلیم، گره زده شده و در پایان پرز اضافی چیده می‌شود. و در نوع ورنی که دستبافته‌ای است بدون پرز و یک رو، بافت عموماً بدون نقشه و به صورت ذهنی می‌باشد که البته در کردستان و کرمان با طرح دیگری بافته می‌شود.

در کرمان آن را شیرپیکی پیچ نامیده و در میان عشایر فارس به نام سوزنی خوانده می‌شود و در کتب تاریخی نیز سوزنکرد خوانده‌اند که در دوره صفویان بافت آن مرسوم بوده است. ورنی شباهت‌های زیادی با سوماگ‌های مناطق قفقاز دارد که شاید به علت فرهنگ مشترک میان اقوام ساکن در آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان باشد.

نقشه ورنی مانند سایر فرش‌های عشایری نشان‌دهنده فرهنگ کوچ‌نشینی عشایر بوده و نقوش و نمادهای تجریدی حاضر در ورنی، احشام، حیوانات شکار، پرندگان و انسان‌ها می‌باشند. شیوه بافت ورنی پیچیده‌تر از گلیم ساده باف می‌باشد. چرا که با پیچاندن پود به دور تار، نقش به صورت برجسته بر سطح چله بافته می‌شود.



نمایشگاه نگار بافته که در بهمن ماه ۱۳۷۸ به همت معاونت پژوهشی (مدیریت پژوهش‌های هنرهای سنتی) سازمان میراث فرهنگی کشور برگزار شد، مجموعه‌ای است از گلیم، ورنی، شیرپیکی پیچ که از مراکز مختلف گلیم بافی ایران در اردبیل، شیراز، کرمان، سیرجان، سنندج، بیجار و هرسین گردآوری شده است. و آنچه مدنظر قرار گرفته مشاهده ویژگی‌های نقوش و رنگ‌های هر منطقه در مجموعه‌ای از زیراندازها در کنار هم و مقایسه آنها با یکدیگر بوده است.

نقش‌ها، طرح‌ها و رنگ‌ها در فرش ایران ریشه در اعتقادات مذهبی، باورهای قومی، ویژگی‌های زیست محیطی و قوه ابتکار و خلاقیت هنرمندان دارد. اثرات بارز این ویژگی‌ها در نقش‌ها و رنگ‌ها به خوبی دیده می‌شود. ورنی عشایر ایلسون از همان نخ پشمی تولید شده که از دام‌هایشان به دست آورده‌اند. نقش‌های شیرپیکی پیچ کرمان یا سوزنی فارس از طبیعت الهام گرفته که عشایر در سراسر زندگی خود با آن روبه‌رو هستند. آثاری که آیین تمام‌نمای اندیشه‌ها و تفکرات مردم هر جامعه است.

نگاره‌ها بازتابی از عوامل طبیعی است و به دلیل اهمیت در زندگی روزمره بافنده، تکثیر می‌شوند. پژوهش در زمینه نگاره‌های بافته وسیع و پر دامنه است. یک نگاره از آغاز پیدایش با ریشه‌های اسطوره‌ای و نمادین خود در قوم یا قبیله‌ای از قرن‌ها پیش حرکت کرده و در طول مسیر خود با فرهنگ‌ها و آداب و ادیان مختلفی برخورد داشته است و اکنون در نقش گلیم‌هایی از افغانستان، قرقیزستان، آذربایجان، فارس، کردستان و بلوچستان حضور پیدا می‌کند و به هر نامی که نامیده شود وجود دارد و باید باشد. این نگاره‌ها روزگاری نماد زندگی، تولد، مرگ، وفور نعمت در شکار یا برداشت محصول و... بوده‌اند.

می‌شود، چارقد را زنان و دختران از روی کلاه می‌پوشند و برخی اوقات به جای مقنا از چارقد استفاده می‌شود، بخصوص هنگام جشن‌ها.

روسری (دستمال): روسری امروزه یکی از سرپوش‌های اصلی زنان و دختران است و کم‌کم جای مقنا را گرفته است. روسری پارچه چهارگوشی است که معمولاً به شکل سه گوش به سر می‌اندازند و با یک گره ساده در زیر چانه بسته می‌شود. به روسری در اکثر نقاط استان بوشهر «دستمال» می‌گویند.

کلاه: کلاه به صورت جداگانه پوشیده نمی‌شود و جزئی الحاقی به مقنا است. تمام کلاه‌های مورد استفاده زنان بوشهر را می‌توان در چهار مدل زیر قرار داد.

- مدل اول (لچک Lacek): پارچه‌ای لوزی شکل که دور تا دور آن را با نوار نقره‌ایی (بیراق) وزری تزیین می‌کنند و به وسیله دو بندگی که در دو سر دارد بسته می‌شود.

- مدل دوم (کولوته Kulute یا گلخچه Kolaxce): پارچه‌ای نوار مانند را دورتادور یک پارچه دیگر می‌دوزند و همانند یک قایق کوچک، می‌شود که دو سر آن بند می‌دوزند.

- مدل سوم (کلاه پارچه‌ای یا «گنجه» Koluhce): کلاهی است به شکل نیمه یک مکعب

- مدل چهارم: این کلاه همانند عرقچین مردانه است و شکلی گرد و ساده شبیه به کاسه دارد.

در برخی مناطق بوشهر کلاه یکی از نشانه‌های ازدواج زنان محسوب می‌شود و دختران از کلاه استفاده نمی‌کنند. و در برخی نقاط چون «بوشکان» کلاه را برای پوشیده بودن وسط سر استفاده می‌کنند، برای اینکه پیدا بودن وسط سر را برای یک زن عیب بزرگی می‌دانند.

چوکه یا چوته (cuqe یا cuke): زنان به جای چادر و عبا‌های امروزی، در زمان گذشته از چوکه استفاده می‌کردند. مدل چوکه همانند مدل عبا‌ی مردانه است که از سر انداخته می‌شود و در دو طرف آن جای دست (دستک) گذاشته می‌شود. پارچه چوکه از پشم شتر و گوسفند بافته می‌شده و معمولاً به رنگ‌های قهوه‌ای و سفید و نخودی بوده است. چوکه بافی در گذشته از مشاغل اصلی مردان بوشهر بوده است.

چادر: بعد از چوکه، چادر مشکلی و رنگی بین زنان معمول شد که مدل این چادرها در ابتدا مدل کمری بود. چادر کمری از دو تکه پارچه مستطیل شکل تشکیل می‌شد. این دو تکه را به هم دوخته و بندی در کمر آن می‌گذاشتند و جلوی چادر از کمر تا پایین دوخته می‌شد. بعد از چادر کمری، چادر چرخی رواج یافت که امروزه نیز معمول است. این چادر به شکل نیم دایره دوخته می‌شود.

عبا: مدل عبا همانند چوکه است منتهی از پارچه مشکلی تهیه می‌شود. برخی زنان بخصوص زنان عرب جنوب شرق استان بوشهر به جای چادر از عبا استفاده می‌کنند.

روبنند: زنان بوشهر همانند سایر نقاط ایران، در گذشته از روبند استفاده می‌کردند. و آن پارچه‌ای مستطیل شکل بوده که با بندی در پیشانی بسته می‌شده است. و جای چشم را با تور نازک می‌دوختند. در



بندی به اسم زناره [zonare] استفاده می‌کنند.

کوفته (Kufte): نوع دیگر عبا، کوفته است که نسبت به چوقه ضخیم‌تر است و از پشم شتر آن را درست می‌کنند. کوفته از تن پوش‌های گران‌بها محسوب می‌شود و افرادی که وضع مالی خوبی دارند از آن می‌توانند استفاده کنند. پارچه چوقه و کوفته را اشخاصی که به جول‌هر [Julhar] معروفند می‌بافند.

پاپوش زنان:

۱- جوراب

۲- کفش:

- کووش

- کوکاب

- ملکی

- مداس

- کفش رودگل

پاپوش مردان:

۱- جوراب

۲- کفش:

- ملکی: زیره چرمی، زیره لاستیکی، زیره

پارچه‌ای

- کفش‌های چرمی: نعلین، اُرسی، شیرو، پوت

- کفش‌های لاستیکی

۳- پاپیج

پاپوش زنان:

جوراب: جوراو (juraw): در گذشته جوراب را معمولاً

زنان طبقات بالاتر می‌پوشیدند و امروزه نیز در روستاها، زنان خیلی کم از جوراب استفاده می‌کنند و فقط هنگام شرکت در مراسم عزا و عروسی آن را به کار می‌برند.

کووش (Kowes): به کفش‌های چرمی زنانه «کووش» می‌گویند. سرپنجه برخی از «کووش‌ها» کمی حالت نوک تیز و برگردان دارد که به آن کوش صغری [sagari] می‌گویند.

کرکاب [Karkab]: کرکاب دم‌پایی تخته‌ای بوده که رویه آن از دو بند چرمی یا لاستیکی و زیره آن از تخته است. کرکاب را به عنوان دم‌پایی در خانه و کوچه می‌پوشیدند و نجارها آن را درست می‌کردند.

ملکی [melki]: زنان قبل از کفش‌های چرمی از گیوه و ملکی استفاده می‌کردند که همانند گیوه مردان است با این تفاوت که بافت رویه آن و دوخت گیوه ظریف‌تر از گیوه مردان است.

مداس [medas]: مداس، کفشی زنانه است که در سواحل جنوب شرقی استان بوشهر رایج بوده و از چرم مشکی است. مداس از کشورهای عربی وارد می‌شود. کفش رودگل: رودگل به صندل زری‌دار می‌گویند که بین زنان بوشهر جدیداً معمول شده است.

پاپوش مردان:

پاپوش مردان استان بوشهر نیز به پیروی از شرایط اقلیمی منطقه به این صورت است که در نقاط ساحلی از کفش‌های نعلینی که قسمتی از آن لای انگشت شست قرار می‌گیرد استفاده می‌کنند و در سایر نقاط استان از انواع ملکی استفاده می‌شود.

ملکی: ملکی، مشخص‌ترین و معروفترین پای‌پوش

افراد که از وضع مالی خوبی برخوردار بودند مانند مالکین و خوانین آن را می‌پوشیدند.

پالتو: پالتو از تن پوش‌های فصلی است که اغلب از جنس ماهوت بوده و بلندی آن تا روی زانو و دارای یقه برگردان همانند یقه کت است.

کوردک (Kordak): کوردک تن پوشی نم‌دین است به رنگ سفید، مشکی، کرم و قهوه‌ای. کوردک را با توجه به مدل و جنس می‌توان به چند نوع تقسیم‌بندی کرد.

کوردک نیم‌افتین (nimofin): تن پوش بلندی است تا روی زانو با آستین کوتاه که به هنگام بارندگی، دامدازان آن را می‌پوشند.

کوردک آری (ari): بلندتر از نیم‌افتین است و آستین آن نیز بلند می‌باشد. کوردک آری را به هنگام مسافرت و در فصل سرما و زمستان خوانین و مالکین می‌پوشیدند. کوردک من مولی (man - moli): کوردک بدون آستین است و قد آن تا کمر می‌باشد. این نوع کوردک را پیشتر کشاورزان هنگام کار می‌پوشیدند.

دشداشه [dašdaša]: پیراهن بلند سرهم است که قد آن تا مچ پا بوده و در دو طرف دارای دو جیب بزرگ است. یقه آن گرد ساده است و سجاف پیراهن با ۲ و ۳ دگمه بسته می‌شود. دشداشه از جنس پارچه وال و معمولاً به رنگ سفید بوده و در فصل زمستان از پارچه‌های ضخیم‌تر استفاده می‌کنند. دشداشه از تن پوش مردان در مناطق ساحلی بوشهر است.

لن گوت [Langute]: پارچه‌ای مستطیل شکل و معمولاً به رنگ سفید ساده و یا با طرح چهارخانه است. لن گوت را همانند لنگ به دور کمر می‌بندند و معمولاً به جای شلوار آن را می‌پوشند. لن گوت خاص مناطق ساحلی است.

عبا: عبا، یکی از تن پوش‌های رایج مردان در استان بوشهر می‌باشد و با توجه به جنس و نوع استفاده به دو نوع قابل تقسیم است.

چوقه (cuge): چوقه عبا از پشم گوسفند است. چوقه ضخیم نمی‌باشد و معمولاً برای بستن آن در کمر از

کُبا یا کُبا (Koba یا Keba): کُبا، قبای زنان است که فقط در برخی نقاط بوشهر چون «جم»، بردستان و جزیره خارک می‌پوشیدند. قد کُبا بلند و تا زیر زانو بوده و در دو طرف چاک بلند می‌گذاشتند. کُبا را از روی تمام تن پوش‌ها می‌پوشیدند.

تن پوش مردان:

شال و کُبا: کُبا از تن پوش‌های مهم و اصلی مردان بوده است. تن پوش بلندی است تا روی پا و بدون یقه و عشا یر منطقه جم قبای کوتاه تا روی زانو می‌پوشیدند. کُبا دارای آستین بلندی است که در سر آستین چاک‌کی به اندازه بیست سانتی متر می‌گذارند. دو طرف کُبا روی هم آورده شده و به وسیله یک دگمه بسته می‌شود.

شال پارچه‌هایی به ابعاد پنج الی بیست متر در یک متر و نیم است. مردان از روی کُبا شال را به کمر می‌بندند هر چند ابعاد شال بیشتر باشد نشان از منزلت اجتماعی و تمول فرد دارد. رنگ شال و طرز بستن آن در موقعیت‌های مختلف و طبقات مختلف جامعه متفاوت بوده است.

پیراهن: در اصطلاح محلی به پیراهن جومه [Jume] می‌گویند. جومه جلو بسته بوده و دارای آستین بلند و به دو مدل یقه‌دار و بدون یقه بوده است. سجاف پیراهن در کنار گردن قرار می‌گیرد. قد پیراهن تا روی ران بوده است و اغلب به رنگ سفید و کرم و از پارچه‌های پنبه‌ای، چلوار و متقال تهیه می‌شده است.

شلوار: به گویش محلی «تنیون» [tunbun] می‌گویند. شلوار، همانند مدل پیژامه‌های امروزی لیفه‌دار بوده و از پارچه‌های تترون، چلوار به رنگ‌های مشکی، کرم و طوسی و از پارچه‌های قلمی (راه راه) استفاده شده است.

جلیقه (جلیسقه [jelesge]): جلیسقه نیم تنه بدون آستین است که برای جلوی آن از پارچه ضخیمی چون فاستونی استفاده می‌شود و پشت آن از پارچه نازکتری چون اطلس و ساتن است.

کت: کت از تن پوش‌هایی است که در گذشته اغلب

فصلنامه هنر ایران «طاووس»



سرشناس و فراوان و ناشران با سابقه متخصص در زمینه چاپ آثار هنری از یکسو و از دیگر سو توجه عامه مردم به هنرهای تجسمی است که ریشه در فرهنگ این جوامع دارد.» وی در ادامه این یادداشت می‌افزاید: «... در بررسی‌های اولیه اهداف نشر هنر ایران مشخص شد که اجرای برنامه‌های این مؤسسه که تنها در معرفی صد سال هنر ایران، حداقل چاپ حدود سی جلد کتاب را طلب می‌کند که با توجه به امکانات محدود این مؤسسه، بخصوص امکانات مالی در مقایسه با هزینه گزاف هریک از مجلدات، زمانی طولانی را می‌طلبد که خود ما را از پرداختن به تحولات جاری در صحنه هنر باز می‌دارد، و تناقضی بین اهداف و فعالیت‌های ما پدید می‌آورد. در چاره‌جویی، برای رفع این تناقض، تنها چاره را در انتشار نشریه‌ای یافتیم که در کنار فعالیت‌های عادی مؤسسه با سرعت بیشتر و گستره‌ای وسیع‌تر نمودار و نقدی از هنرهای گوناگون و رخدادهای هنری جامعه باشد. مقدمات انتشار این نشریه که آن را طاووس نامیده‌ایم از زمستان سال ۷۷ شروع شد...» پس از آن سردبیر این مجموعه در یادداشت دیگر یادآور می‌شود: «طاووس تعصب رادر طرح مسائل هنری ناپسند می‌شمارد، لاجرم ضمن تحسین و ادای احترام به بزرگان و اندیشه‌هایشان عقاید و آثار ایشان را به محک خواهیم گذاشت و اگر در نقد و طرح مسایل اشتباه کردیم و دیگری ما را از آن آگاه کرد در اثبات گفته خود لجاجت نمی‌ورزیم.»

به همراه این فصلنامه ۲۰۰ صفحه‌ای، راهنمای موزه‌ها و فرهنگسراها و گالری‌های موجود در ایران به صورت «ضمیمه» نشر یافته است.

ضمن آرزوی توفیق برای دست‌اندرکاران این فصلنامه نفیس هنری، امیدواریم مباحث امور هنرهای صناعی و سنتی ایران که در این مجموعه، جای خالی آن زیاد به چشم می‌خورد مورد توجه گردانندگان قرار گیرد و صفحاتی را به خود اختصاص دهد.

اخیراً مجموعه‌ای از نشر هنر ایران به نام فصلنامه «طاووس» به بازار عرضه شده است. این فصلنامه که به دو زبان انگلیسی و فارسی و چهاررنگ در ایران انتشار می‌یابد نموداری از هنرهای گوناگون ایرانی همچون: نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، گرافیک، خوشنویسی، موسیقی، تئاتر، سینما و... همراه با مقالاتی نظری در باره جنبه‌های متفاوت هنر کلاسیک ایران و منعکس‌کننده فعالیت‌های مختلف در زمینه هنر ایران است.

مجموعه مذکور به مدیریت منیژه میرعمادی مشاور و نماینده مرکز هنرهای مدرن ایران (CIMA) در نیویورک و سردبیری علی دهباشی پژوهشگر و سردبیر مجله بخارا اداره می‌شود.

در اولین شماره طاووس آثاری از: منیژه میرعمادی، علی دهباشی، روئین پاکباز، یحیی ذکا، محمدرضا حسائری، جواد مجابی، شهلا اعتمادی، حسین خسروچردی، منصور ملکی، عزت‌الله فولادوند، مرتضی ضمیر، فرشته دفتری، غلامحسین نامی، پرویز کلانتری، شفق سعد، پیروز سیار، پرویز مرزبان، پرویز تناولی، آزاده اهورا و آیدین آغداشلو می‌بینیم و گفتگوهای با فریدون ناصری، معصومه سیحون، پری صابری، آمنه یوسف زاده، پروانه اعتمادی و علیرضا اسپهبد می‌خوانیم. ویراستار این مجموعه شفق سعد و مترجم آن کلود کرباسی است.

در یادداشتی کوتاه، مدیر فصلنامه اشاره می‌کند: «هنر معاصر ایران، علی‌رغم شایستگی‌های فراوان تاکنون به مقامی که فراخور حال آن است، بخصوص در عرصه جهانی دست نیافته است. این امر بیش از هر چیز موقوف به عدم ارائه و معرفی آن است که خود منوط به نداشتن برنامه ریزی مشخص است. شیوه مجری در جهان برای معرفی هنر، برپایی نمایشگاه‌ها و مسابقه‌ها و فستیوال‌های متعدد، فعالیت موزه‌ها و بنیادهای هنری دانشگاهی و خصوصی، گالری‌های

مردان استان بوشهر، از قدر و منزلتی بین افراد جامعه برخوردار بوده است. سه نوع ملکی در استان بوشهر مشاهده شد. ملکی زیره چرمی، ملکی زیره پارچه‌ای و ملکی زیره لاستیکی. ملکی زیره چرمی نوع مرغوب و گران‌بهای آن محسوب می‌شود.

کفش‌های چرمی: از انواع کفش‌های چرمی در استان بوشهر نعلین، ارسی، شبرو، پوت را می‌توان نام برد. نعلین به مدل صندل است که بیشتر در مناطق ساحلی پوشیده می‌شود. ارسی کفش چرمی است که رویه آن از چرم و زیره آن لاستیکی است. شبرو نوع دیگر کفش چرمی است که معمولاً در طبقات متوسط جامعه استفاده می‌شود. پوت، پوتین چرمی است که بیشتر در زمان بارندگی استفاده می‌شود و به رنگ مشکی است.

کفش لاستیکی: نیم چکمه و چکمه‌های کشور چک و اسلواکی، کفش‌هایی لاستیکی از نوع براق هستند که کشاورزان و کارگران به هنگام کار می‌پوشند.

دان لاپ (dan lap): کفشی است که رویه آن کتان سفید و زیره آن لاستیکی است و معمولاً جاشوها و ملوانان به هنگام کار می‌پوشند و یا هنگام چیدن خرما از آن استفاده می‌شود.

جوراب: بین مردان بوشهر نیز همانند زنان پوشیدن جوراب رایج نبوده و پوشیدن آن بیشتر در طبقات بالای جامعه معمول بوده است. در مناطق کوهستانی بوشهر از جوراب پشمی به اسم جوراب‌پاکش (juraw pukes) استفاده می‌کردند.

پاپیج: پاپیج در گذشته در نقاط کوهستانی پشت کوه استان بوشهر معمول بوده است. نوعی بافته پشمی است که میج یا تا زانو را با آن می‌پوشند و توسط بندی بسته می‌شود.

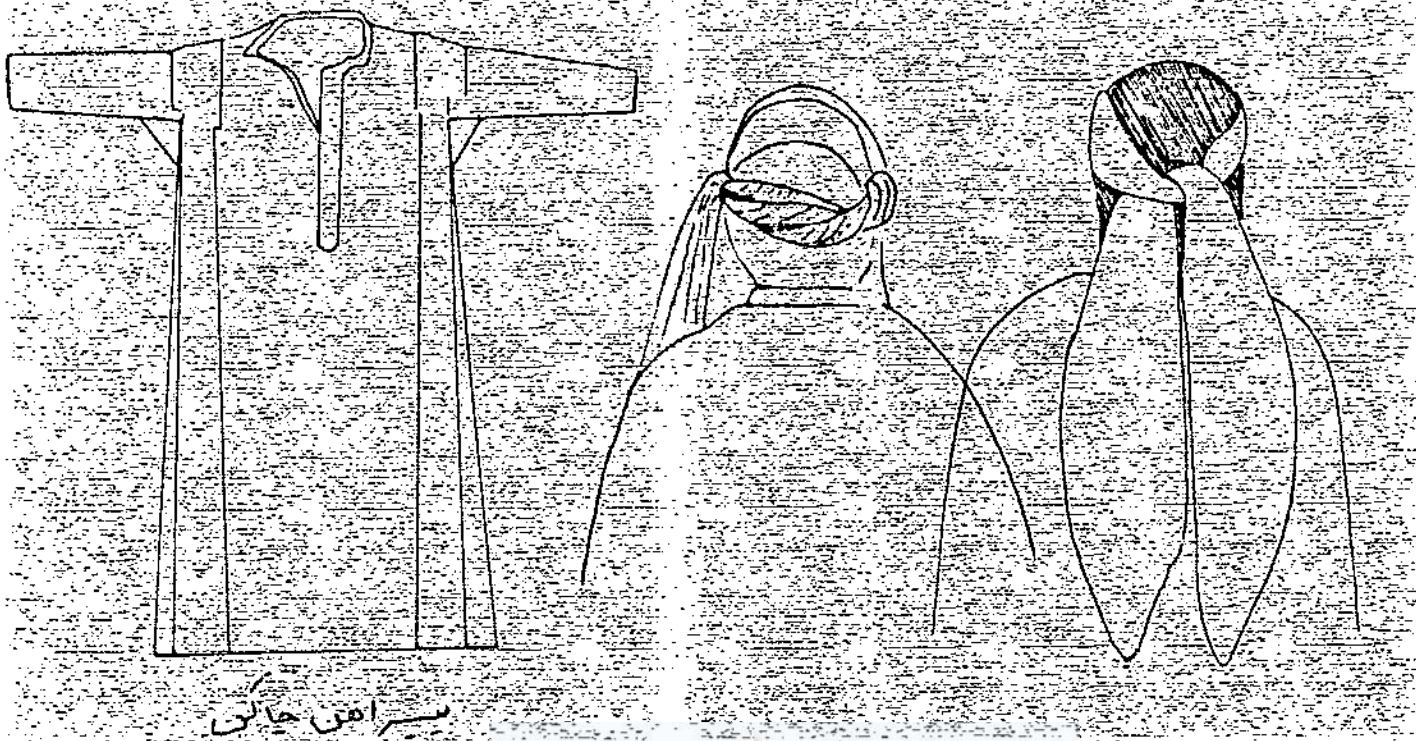
چند مورد قابل ذکر درباره پوشاک مردم استان بوشهر: امروزه یک هم شکلی کلی در لباس مردم تمام مناطق استان بوشهر در حال به وجود آمدن است و پوشاک سنتی کم‌کم جای خود را به پوشاک امروزی داده است. مدل‌های این پوشاک‌های امروزی را نیز دست‌اندرکاران تولید لباس تعیین و رایج می‌کنند.

اصطلاحات مربوط به پوشاک سنتی کم‌کم رواج خود را از دست داده‌اند. به طور مثال امروزه کمتر کسی در استان بوشهر است که به کفش زنانه «کوش» گوید و یا به روسری «دستمال» گوید. بلکه از کلمات کفش و روسری استفاده می‌شود.

در گذشته اختلاف پوشاک در طبقات مختلف جامعه از بابت جنس و رنگ پارچه و آرایش لباس بود. به این معنی که در طبقات بالا از پارچه‌های گران‌بها تر و پُرآرایش تر و در طبقات پایین از پارچه‌های ساده و کم‌بها تر استفاده می‌شده است. امروزه با به وجود آمدن جریان هم شکلی در پوشاک مردم این اختلاف‌ها کم رنگ تر شده است.

از موارد قابل ذکر دیگر از بین رفتن اهمیت کلاه در پوشاک زنان و مردان بوشهر است. همانند گذشته در پوشیدن آن لزوم و اجباری نیست و در بین مردان نیز پوشیدن کلاه قدر و منزلتی گذشته خود را برای شخص استفاده کننده ندارد.

۱- نگاهی به بوشهر. ایرج افشار سیستانی



سراجه های مختلف

ناصرخانی، اردکانی، کلاه بلن [balan] و کلاه زاغی است. کلاه نمدی استوانه‌ای شکل است و از پشم گوسفند تهیه می‌شود و در دو نوع قاپ کوتاه و قاپ بلند است. کلاه ناصرخانی و خسروخانی تقریباً بیضی شکل است و در دو طرف دو لبه یا گوش دارد که به طرف بالا برگردانده می‌شود. مرغوبترین نوع کلاه از کرک تهیه می‌شود و رنگ مشکی آن را کلاه زاغی می‌نامند.

از انواع کلاه در موقعیت‌ها و طبقات مختلف استفاده‌های مختلف می‌شود. معمولاً مردان در مراسم عروسی و جشن‌ها از کلاههایی به رنگ سفید، خنایی و کرم استفاده می‌کنند و در مراسم عزاداری و ایام سوگواری کلاه نمدی به رنگ قهوه‌ای و مشکی می‌پوشند. هنگام شکار از کلاه نمدی خاکی رنگ استفاده می‌کنند. افراد سرشناس و خوانین و مالکین و کدخدایان از کلاه‌های نوع مرغوب و خشک قاپ بلند، زاغی و خسروخانی و ناصرخانی استفاده می‌کنند و افراد طبقات پایین‌تر کلاه نمدی قاپ کوتاه و از جنس نامرغوب می‌پوشند.

کلاه بلی یا بلی (bali یا beli): به کلاههایی که از پیش خرما (برگ نخل) تهیه می‌شود کلاه بلی می‌گویند و به سه مدل تهیه می‌شود.

کلاه باویزه‌ای (bawizeai): کلاه بلی ساده و دایره شکل و به شکل کاسه می‌باشد.

کلاه دوره‌دار: همان کلاه نوع ساده است با این تفاوت که به دور تا دور آن لبه بافته شده را وصل می‌کنند.

کلاه لبه‌دار: در قسمت جلوی کلاه لبه می‌گذارند. مانند کلاه پهلوی است که به آن کلاه قزاقی نیز می‌گویند.

کلاه ماهوتی: این نوع کلاه از ماهوت به رنگ‌های

عشایر این استان معمول است. پوشی‌یه (bušiyhe): پوشی‌یه روسری نازک و توری است که زنان عرب سواحل جنوب شرق استان بوشهر آن را برای زیبایی از روی عبا می‌پوشند. سرپوش مردان: تقسیم‌بندی کلیه سرپوش‌های مردان استان بوشهر را می‌توان به شرح زیر انجام داد:

الف - کلاه پشمی و نمدی: کلاه ناصر خانی، خسروخانی - قاپ کوتاه، بلند...

ب - کلاه بلی یا بکی: باویزه‌ای، لبه‌دار، دوره‌دار

ج - کلاه ماهوتی

د - کلاه پارچه‌ای: گچی

و - کلاه کاموایی:

۲- شال و چقیه: شال - شال - چقیه - قطره - لن‌گوته

۳- نقاب

کلاه و سربند به عنوان جزء لاینفک لباس و پوشاک مردان از دیرباز تاکنون نقش و اهمیت بسزایی در تکمیل مجموعه لباس مرد ایرانی داشته است. پوشیدن کلاه نه تنها از جنبه پوشش آن برای سر اهمیت داشته بلکه از بسیاری جهات دارای ارزش خاص و پایگاه اجتماعی ویژه‌ای بوده است. کلاه بر سر داشتن برای یک مرد نشان از عزت و شرف بوده است و برداشتن آن را نوعی سبکسری می‌پنداشتند و بی‌کلاهی را عار می‌دانستند.

کلاه پشمی و نمدی: انواع کلاههایی که از پشم و نمد تهیه می‌شود عبارتند از کلاه نمدی، کرک، پشمی

گذشته دختران از نه سالگی از روبند استفاده می‌کردند. در برخی نقاط بوشهر چون «پشت کوه» و «بردستان» زنان از روبند استفاده نمی‌کردند. فقط گوشه مقنای خود را جلوی دهان یا صورت به عنوان روبند می‌گرفتند.

بتوله (batule): زنان جنوب شرق استان بوشهر از نقابی به اسم بتوله استفاده می‌کنند که شکل و مدل آن همانند بُرقع زنان بندرعباس است. بتوله را از پارچه‌های چرم مانند می‌کنند که از کشورهای عربی وارد می‌شود می‌دوزند. جای چشم در بتوله زنان مسن تنگ‌تر از بتوله زنان جوان است و دختران نیز بعد از ازدواج از بتوله استفاده می‌کنند.

إخمار (exmâr): إخمار نوعی روبند جدید است که زنان در جنوب شرق استان بوشهر از آن استفاده می‌کنند. از دو تکه پارچه تشکیل شده که تکه پایینی از قسمت پیشانی بسته می‌شود و تکه بالایی آن بعد از بسته شدن إخمار روی صورت قرار می‌گیرد. به این ترتیب، صورت در زیر دولایه پارچه قرار می‌گیرد. جای چشم در هر دو تکه گذاشته می‌شود منتهی در تکه بالایی جای چشم توردوزی می‌شود.

روبند عروس: روبند عروس از روبندهای رایج در استان بوشهر است که هنگام بردن عروس به منزل داماد، از روی چادر عروس روسری سفید یا سبزی به سر وی می‌گذارند که به آن روبند می‌گویند.

گل بند یا پیشانی‌بند: گل بند روسری مربع شکل به ابعاد یک متر و نیم در یک متر و نیم است. این روسری را به صورت نواری به عرض ده سانتی متر تا می‌کنند. سپس این نوار را از روی تمام روسری‌ها در بالای پیشانی قرار داده دو سر آن را در پشت سر به صورت ساده گره می‌زنند. برخی نیز آن را در یک طرف سرگه می‌زنند. گل بند در منطقه پشت کوه استان بوشهر و

فرهنگ البسه

بر اساس آثار شاعران

قرن هفتم

■ نرگس مراد گنجه
 ■ دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجموعه حاضر پایان نامه خانم مراد گنجه است که تحت عنوان فرهنگ البسه در سال ۱۳۷۵ با راهنمایی آقای عباس ماهیار تهیه شده است. روش کار به این صورت بوده است که: نگارنده پس از فیش برداری از کلیات سعدی، کلیات شمس و مثنوی آنها را به چهار بخش: اجزای لباس، لباس، پارچه و زیورات تقسیم کرده، سپس ابیاتی که به کاربرد و معنی واژه مورد نظر به وضوح اشاره کرده بودند دسته‌بندی می‌کند. فونتیگ هر واژه از فرهنگ معین، ثبت و هر مدخل یا استفاده از فرهنگ‌های لغت (لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی، آندردراج، برهان قاطع، فرهنگ سنگلاخ، غیث اللغات) فرهنگ البسه، دایرةالمعارف فارسی و جامه زهد و... شرح داده شده است (فهرست تفصیلی این کتاب‌ها در بخش کتاب‌نامه آمده است). اگر در شرح مدخل اشاره‌ای نشده به اینکه فارسی یا عربی است تا حد امکان از فرهنگ معین استفاده (لازم به ذکر است که در توضیح مدخل‌ها جامع‌ترین شرح مورد نظر بود که به این منظور فرهنگ‌ها با هم مقایسه می‌شدند) و ابیات انتخابی و ثبت شده با معیار مذکور زیر عنوانی قرار گرفته‌اند که از خود بیت استنباط می‌شد. و اگر احیاناً واژه مورد نظر همان مفهوم و کاربرد رایج را دربرداشته تنها به ثبت بیت اکتفا گردیده است. در دسته بندی ابیات تحت عنوان مشخص، پس از اتمام ابیات و شروع عنوان دیگر، گاه به ذکر شماره صفحاتی از منابع مورد بررسی پرداخته، به این منظور که آنها نیز تحت عنوان ذکر شده قرار می‌گرفته‌اند، اما برای جلوگیری از طولانی شدن بحث به ذکر شماره صفحه بسنده می‌کند. پس از اتمام هر مدخل، اگر به ترکیب‌های وصفی، اضافی و جملات کنایی و... برخورد شده که در دسته بندی یاد شده قرار نگرفته‌اند، تا حد امکان به ترتیب الفبایی ثبت و در آخر به ذکر شماره صفحه مواردی پرداخته شده است که در زمینه واژه مورد نظر مطلب خاصی نداشته‌اند.

می‌گویند. آستین پیراهن گشاد است و به همین دلیل هنگام کار، سر دو آستین را به پشت گردن برده و در آنجا گره می‌زنند.

پیراهن دررا (derraa): دررا پیراهنی بلند و ساده است که زنان از زیر پیراهن عربی می‌پوشند. همانند پیراهن چاکی زنان است. یقه پیراهن معمولاً گرد ساده یا یقه فرنگی (یقه ایستاده گرد) است.

شلوار بندری: شلوار بندری از دو تکه پارچه است. تکه بالایی شلوار از پارچه نخی است. در کمرگاه لیفه دارد و به وسیله کش شلوار در کمر استوار می‌شود. در پاچه شلوار زیب به طول ۲۰ سانتی متر دوخته می‌شود تا پاچه شلوار گشادتر شود.

شلوار خفتی [xəfti]: این نوع شلوار برعکس شلوار بندری پرچین و گشاد است و حدود شش متر پارچه لازم دارد. شلوار لیفه‌داری است که قسمت کمر شلوار از پارچه نخی دوخته می‌شود. پاچه شلوار نیز گتر دارد.

شلوار فراخ: شلوار فراخ به دامن بلند و پرچین می‌گویند. این دامن از حدود ۵۰-۴۰ متر پارچه دوخته می‌شود. در کمرگاه لیفه دارد و به وسیله بندی که از لیفه رد می‌شود در کمر بسته می‌شود. در برخی نقاط چون پشت کوه به لبه پایین دامن از پارچه دیگری به پهنای بیست سانتی متر چین داده می‌شود به این مدل شلوار فراخ، مدل ترکی می‌گویند. زنان اغلب بیش از یک شلوار فراخ می‌پوشند و گاهی تعداد آن به ۵ و ۶ دامن نیز می‌رسد. در جشن‌ها و عروسی زنان هر چه متمول‌تر باشند تعداد دامن‌های بیشتری روی هم می‌پوشند.

پیراهن چاکی (جامه چاکی): جامه چاکی پیراهن بلند و ساده‌ای را گویند که در دو طرف از کمر به پایین چاک دارد. آستین پیراهن بلند است، یقه آن گرد ساده یا یقه ایستاده ساده است و سجاغ پیراهن تا کمر بلند است. چون چاک پیراهن بلند است و از کمر به پایین چاک شروع می‌شود. برای پوشیده بودن، زنان حتماً از زیرپیراهن باید استفاده کنند و زیر پیراهن جز اجباری لباس زنان در این مناطق است.

انواع نیم تنه‌های زنان:

ارخالوق (arxalug): به کت زنانه در مناطق مختلف استان بوشهر ارخالوق می‌گویند. قد کت تا کمر است و در دو طرف کت دو جیب و در یک طرف از داخل یک جیب دیگر می‌گذارند ارخالوق از مخمل به رنگ‌های سبز، قرمز و آبی... دوخته می‌شود. آستر ارخالوق از پارچه‌ای نخی است. لبه‌ها و دور یقه و سرآستین ارخالوق را با نوارهای زری و براق تزیین می‌کنند.

کلیجه (Koliže): به کت آستین کوتاه کلیجه می‌گویند و در برخی نقاط استان بوشهر از جمله شهرستان دیلم از آن استفاده می‌کرده‌اند. کلیجه، از مخمل دوخته می‌شود و تفاوت آن با ارخالوق در آستین کوتاه کلیجه است.

جلیقه (جلیقه جلیقه) (jelje): نیم تنه‌ای بدون آستین است که در دو طرف آن چاک کوچک می‌گذارند. جلیقه جلو باز است و به وسیله چند دگمه بسته می‌شود. جلیقه را از زیر ارخالوق می‌پوشند. جلیقه را با نوار زری و براق تزیین می‌کنند و برای آرایش بیشتر آن به دو طرف جلیقه در جلو سکه می‌دوزند.

کرم، قهوه‌ای و سرمه‌ای است. به این کلاه، قبوسی نیز می‌گویند. کلاهی دوره‌دار است که اغلب زمان بیرون رفتن از منزل و یا هنگام شرکت در مراسم اعم از عروسی و عزا می‌پوشند. و معمولاً افراد سرشناس و میان‌سال به بعد از این نوع کلاه استفاده می‌کنند.

کلاه پارچه‌ای: کلاه پارچه‌ای کلاهی کوچک و کاسه‌ای شکل که جنس پارچه آن از پنبه است و لبه کلاه با نخ هم رنگ پارچه گلدوزی شده است. این نوع کلاه را عرقچین می‌گویند و معمولاً عرقچین را پوشیده و دور آن دستمال یا چفیه می‌بندند. اغلب مردان که در نواحی ساحلی زندگی می‌کنند از این کلاه استفاده می‌کنند. نوع نخی عرقچین قلاب بافی شده را گفیه [gafieh] می‌نامند. گفیه به رنگ سفید است و معمولاً افراد متمول و ناخدايان از آن استفاده می‌کنند.

شال و چفیه: چفیه پارچه‌ای چهارگوش به ابعاد یک متر در یک متر و معمولاً به رنگ سفید است، ولی از رنگ‌هایی چون مشکی، سبز و با طرح چهارخانه سفید و قرمز نیز استفاده می‌شود. چفیه سفید رنگ را در بندر طاهری «قطره» [qetra] می‌گویند. شال نوعی چفیه است که تفاوت آن از لحاظ جنس می‌باشد یعنی شال از پشم است. شال و چفیه را از روی عرقچین به دور سر می‌پیچند و طرز بستن آن در موقعیت‌های مختلف چون عزا، عروسی و کار... متفاوت است.

لن گوته (Langute): لن گوته نوع دیگری از چفیه با طرح چهارخانه بزرگ به رنگ سبز و سفید است.

نقاب: نوعی آفتابگیر است که کشاورزان و کارگران هنگام کار برای سایبان صورت از آن استفاده می‌کنند. البته کارگران و کشاورزان اغلب از کلاه پلی هنگام کار استفاده می‌کنند و در نتیجه نقاب در این منطقه کاربرد کمی دارد.

تن پوشی زنان در مناطق ساحلی استان بوشهر:

- پیراهن عربی، پیراهن دررا، شلوار بندری، شلوار خفتی

تن پوشی زنان در مناطق کوهستانی استان بوشهر:

- شلوار فراخ، پیراهن چاکی، زیرپیراهن، شلوار نیم تنه‌های زنان استان بوشهر:
- ارخالوق، کلیجه، قبا، جلیقه.
- تن پوشی مردان استان بوشهر:
- شال و قبا
- پیراهن
- شلوار
- جلیقه
- کت و پالتو
- کوردک: کوردک نیم آفتین، کوردک آری، کوردک من مولی
- دشد اشه
- لن گوته
- عبا: چوکه، کوفته

پیراهن عربی: پیراهن عربی پیراهن بلند و گشادی است که زنان از روی لباس خود می‌پوشند. قد پیراهن تا مچ پا می‌رسد. در قسمت زیر بغل پیراهن، تکه مثلثی شکلی از پارچه می‌دوزند که به آن زیرچولک [gircolak]